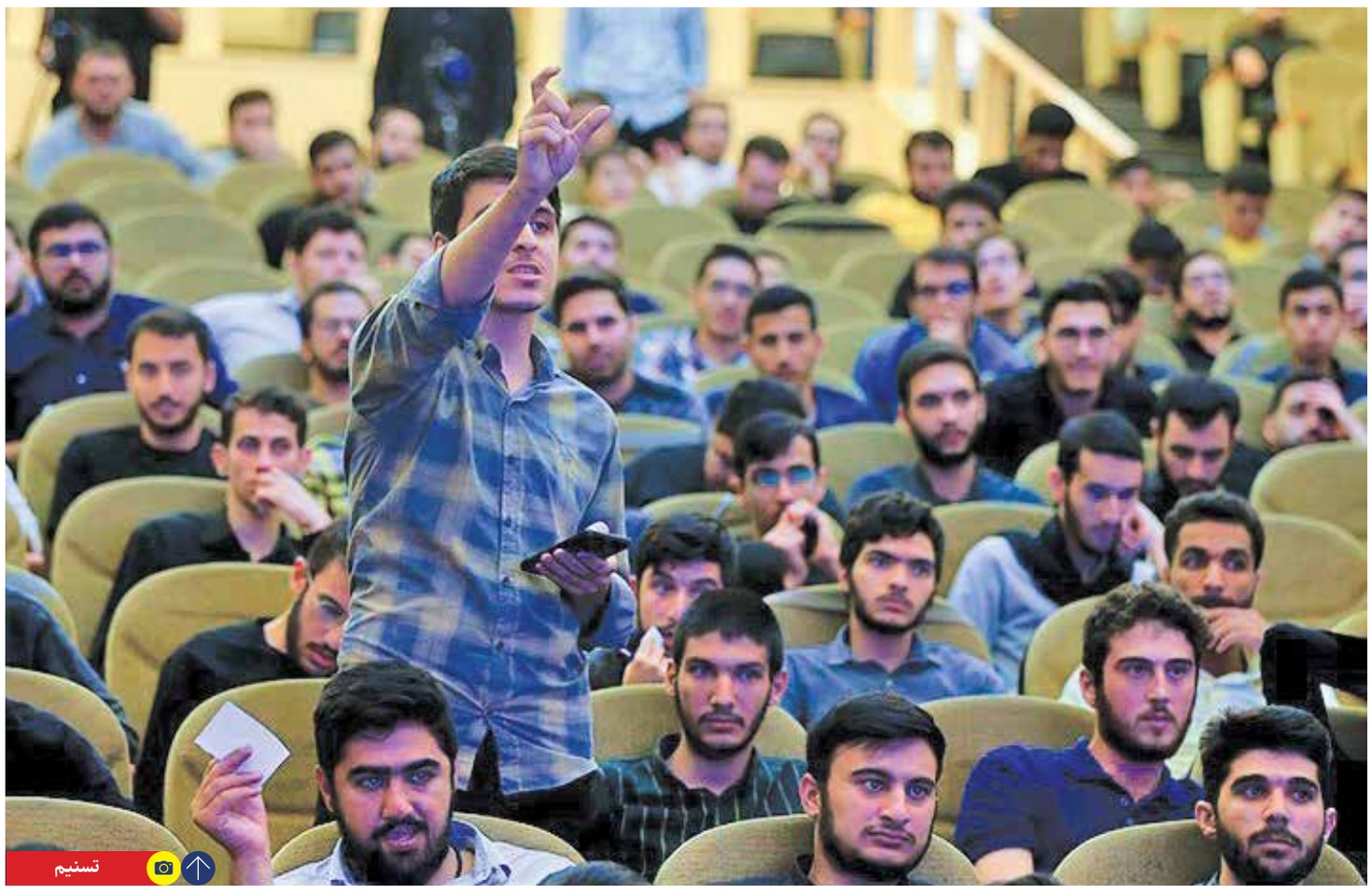
تسنیم

معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم در گفت‌وگو با «ایران» در زمینه فعالیت تشکل‌های دانشجویی عنوان کرد

قالب‌های قدیمی پاسخگو نیست نیاز به پوست‌اندازی داریم

۴۷۰۰۰

رویداد دانشجویی

در مدت سه ماه نزدیک به ۴۷۰۰۰ رویداد فرهنگی در دانشگاه‌ها برگزار شده است. متأسفم برای اینکه ۴۷۰۰۰ رویداد دیده نمی‌شود، ولی اتفاقی که به صورت غیررسمی در مجموعه آموزش عالی خارج از عرف و هنجارهای آموزش عالی صورت می‌گیرد، در شبکه‌های اجتماعی ضریب پیدا می‌کند و باعث ارائه تصویر بد و غلط از مجموعه آموزش عالی می‌شود

گفت‌وگو

غزل رضایی‌ثانی
خبرنگار

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور ذیل هدف آموزشی خود، اهداف دیگری در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... دنبال می‌کنند. این نوع فعالیت‌ها در دانشگاه‌های سراسر جهان مشترک است. دانشگاه‌ها علاوه بر اینکه معرف سطح علمی یک کشور هستند، می‌توانند معرف سطوح فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز باشند. اغلب دانشجوها در سن خاصی یعنی ۲۰-۱۸ سالگی وارد دانشگاه می‌شوند. این سن تقریباً آخرین مرحله سن هویت‌یابی است. این نکته یکی از علل تعریف کارکردهای دیگری برای دانشگاه علاوه بر کارکرد علمی است؛ کما اینکه هویت دانشجو یا استاد فقط یک هویت علمی نیست. به تعبیر دیگر دانشگاه جایی نیست که تنها مجموعه‌ای از دانش‌ها را به فرد منتقل سازد و دانشجو هم فقط فردی نیست که روبات‌گونه مجموعه‌ای از معلومات را به او بدهند و بعد وارد جامعه شود. بنابراین مهم است بدانیم تشکل‌های دانشجویی چه آورده‌ای برای دانشجو دارند و دقیقاً چقدر توانسته‌اند دانشجویان را با بینش فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آشنا کنند. این تشکل‌ها چه نقشی بر رشد شخصیت دانشجو و کیفیت حضور او پس از فارغ‌التحصیلی در جامعه دارند؟
معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تلاش کرده است تشکل‌های فرهنگی را که در دوران کرونا دچار سکون شده بودند، به تحرک وا دارد. در این باره با عبدالحسین کلانتری معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم گفت‌وگو کردیم.

کارکرد تشکل‌های دانشجویی چیست و تشکل‌ها تا چه حد بر دانشجویان و جامعه تأثیرگذارند؟

دانشگاه نهاد جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و هویت‌یابی جوانان در یک جامعه است و این هویت‌یابی، فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری ترکیبی از دانش علمی، فرهنگی و سیاسی را به دانشجو منتقل می‌کند؛ لذا زیست دانشجویی، فراتر از دریافت مجموعه‌ای از معلومات، سبک زندگی خاصی است که با عنصر فرهنگ، سیاست، اخلاق و تربیت پیوند خورده. شاکله وجودی دانشجو در دانشگاه شکل می‌گیرد، لذا زیست دانشجویی فقط یک زیست علمی نیست بلکه یک زیست اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی است که هم مسئولیت‌پذیری دانشجو را ارتقا می‌دهد و هم او را برای ایفای نقش در جامعه پس از دانش‌آموختگی آماده می‌کند؛ بنابراین دانشگاه نهادی است که خروجی آن یک شهروند مسئول، انسان اخلاقی، عالم و بادانش است و در این نگاه دانشگاه نباید به یک کارکرد صرفاً آموزشی تقلیل پیدا کند.

در تاریخ ما نگاه به استاد، دانشجو و دانشگاه چندبعدی بوده است. ما جزو کشورهایی هستیم که کهن‌ترین نهاد آموزش را در دنیا داشتیم که در این میان گسست‌هایی می‌بینیم؛ ولی در مجموع کارکرد این نهادها صرفاً انتقال دانش علمی نبوده است بلکه زیست عالمانه را به افراد می‌آموختند که در حوزه‌ها ذی‌طلبگی و در دانشگاه ذی‌دانشجویی است. همچنین استاد نیز همیشه شأن متفاوتی داشته است زیرا استاد نیز صرفاً شخصی نیست که مانند ضبط صوت انتقال دانش کند. استادی، با فرزانگی و فرهیختگی و شبکه‌ای از فضائل پیوند خورده است. افرادی که در دانشگاه درس خوانده‌اند، تنها از دانش‌های کتابی استاد متأثر نشدند بلکه از اخلاق، سلوک، رفتار و نگاه استاد به حال، گذشته، آینده و کلیت زندگی هم متأثر شده‌اند. استاد نقش بسیار سنگین و متفاوتی دارد زیرا استادی با شبکه‌ای از فضائل گره خورده است.

بر اساس این نگاه، کارکرد مجموعه‌های دانشجویی، بالاخص تشکل‌های دانشجویی غنی‌سازی زیست دانشجویی است. این مجموعه‌های دانشجویی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی فعالیت می‌کنند. دانشجویان متناسب با سلایق و علایق خود می‌توانند هر یک از این تشکل‌ها و مجموعه‌های قانونمند دانشجویی را انتخاب کنند و در آن به فعالیت گروهی و اجتماعی مشغول شوند. لذا کارکرد اصلی این گروه‌های دانشجویی تقویت ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیست دانشجویی است.

ولی به نظر می‌رسد کار فرهنگی برای برخی در حد حاشیه است و نه یک فعالیت مهم.

کار فرهنگی در دانشگاه حاشیه نیست و اگر نگاه حاشیه‌ای به فرهنگ در دانشگاه داشته باشیم، ضربه می‌خوریم؛ کما اینکه در برخی دوره‌ها به‌خاطر همین نگاه حاشیه‌ای ضربه خوردیم. بنابراین اهمیت فرهنگ باید در متن آموزش عالی ما حک شود و آنگاه است که دانشگاه کارکرد اصلی خود را به‌دست می‌آورد.

آیا زمانی که دانشجو از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود، دقیقاً دارای این ویژگی‌هاست که شما به آن اشاره کردید؟

خیر، زیرا ما با افق‌ها فاصله داریم و بعضی اوقات سیاستگذاری غلطی صورت گرفته و برخی اوقات امکانات خوبی تخصیص داده نشده است، لذا دانشجو با تصویری که ارائه دادم، فاصله دارد.

این به خاطر نوع فعالیت تشکل‌هاست؟

دقیقاً اینجا جایی است که نقش تشکل مشخص می‌شود. وقتی می‌گوییم تشکل، منظورمان تمامی مجموعه‌های دانشجویی است. کارکرد مجموعه‌های دانشجویی در بطن دانشگاه این است که مسئولیت‌پذیری را ارتقا دهد، کنش جمعی و همکاری را افزایش دهد، امکانی به دانشجویان بدهد که علاوه بر آنکه در محیط دانشگاه در رسیدن به اهداف خود سعی و خطا می‌کنند، فضایی برای کنشگری قانونمند، مدنی و در چهارچوب دانشجویی داشته باشند، زیست مدنی را یاد بگیرند، با هم بودن و در کنار همدیگر تلاش برای رسیدن به اهداف را تجربه کنند. کارکرد اساسی مجموعه‌های دانشجویی ارتقای این نوع ویژگی‌هاست که نباید این را یک فعالیت حاشیه‌ای دید.

دانشجویان، در تشکل‌ها چقدر با آداب نقد و اعتراض آشنا می‌شوند؟ در واقع تشکل‌ها چقدر در بیان مطالبه‌گری به دانشجویان کمک کرده‌اند؟

هنوز با شرایط مطلوب فاصله داریم. کرونا سامانِ سنت دانشجویی و تشکل‌های دانشجویی، کانون‌های فرهنگی و انجمن‌های علمی را در کشور به‌هم زد. در دوره‌ای درصدد بودیم و هستیم که این را احیا کنیم و تا حدودی هم احیا شد زیرا وجود گروه‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها امکانی برای دانشجویان فراهم می‌کرد تا مسیر جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری را طی کنند و با چهارچوب‌های فعالیت‌های دانشجویی و آداب مطالبه‌گری، اعتراض، نقد و گفت‌وگو آشنا شوند که همه اینها از بین رفت یا بشدت تضعیف شد. طبعاً نسلی که بعد از دو سه سال کرونا وارد دانشگاه شد، عملاً دانشجو نبود، به این معنا که محیط دانشگاه را تجربه نکرده بود و کلِ داشته او از دانشگاه تصویری بود که از استاد پشت مانیتور می‌دید و همینطور انتخاب واحد، کلاس‌ها و امتحانات مجازی را و به اضطرار با ماسک به دانشگاه مراجعه می‌کرد و زود فرار می‌کرد که مبادا در تعاملات، درگیر ویروس کرونا شود. این حیات اجتماعی را تعلیق می‌کند؛ لذا احیای اینها احیای این فضاست.

اما پیش از کرونا هم تشکل‌ها در جذب دانشجویان و ارائه محتوای فرهنگی آنقدرها موفق نبودند؛ چرا؟

طی این سال‌ها نهادهای رقیب غیررسمی زیادی، فعالانه در عرصه‌های تربیتی و آموزشی ورود و کنشگری کردند و دانشگاه، خانواده، آموزش و پرورش و رسانه ملی محوریت خود را در فرایندهای تربیتی و آموزش فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و جامعه‌پذیری از دست دادند. این فضا و آرایش آن تغییر کرده و کنشگران رقیب و جدیدی به این عرصه اضافه شده‌اند که هم ماهیت این فعالیت‌ها را دگرگون کردند و هم از حیث محتوایی رقیبی شدند برای نهادهایی که به صورت سنتی وجود داشتند. قالب‌هایی از برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و سیاسی به واسطه کانال‌های غیررسمی در جامعه ترویج شده است که این قالب‌ها بعضاً موردپسند جوانان بوده است، اما قالب‌هایی که از طرف ما ارائه می‌شد، چندان موردپسند دانشجویان نبوده؛ لذا چیزی که نیاز داشتیم و داریم، این است که یک پوست‌اندازی در دو زمینه حکمرانی عرصه فرهنگی در دانشگاه و قالب‌های فعالیت فرهنگی در دانشگاه صورت بگیرد. بسیاری از قالب‌هایی که ارائه می‌دادیم، تناسبی با مذاق و مزاج نسل جوانی که وارد دانشگاه شده بود، نداشت و جایگزین‌هایی برای ارائه بسته‌های فرهنگی، آموزشی و تربیتی در اختیار نداشتیم.

> قالب‌هایی از برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و سیاسی به واسطه کانال‌های غیررسمی در جامعه ترویج شده است که این قالب‌ها بعضاً موردپسند جوانان بوده، اما قالب‌های ما چندان موردپسند دانشجویان نبود؛ چیزی که نیاز داشتیم و داریم، پوست‌اندازی در دو زمینه حکمرانی عرصه فرهنگی و قالب‌های فعالیت فرهنگی در دانشگاه است

به طور کلی در حوزه فضای مجازی نسبت به چیزی که در جامعه رخ می‌دهد، تأخیر داریم؛ یعنی جامعه دانشجویی از ما جلوتر است و ساختارهای فرهنگی‌مان سازگاری لازم با این فضا را ندارند؛ مثلاً عموماً هنوز در معاونت‌های فرهنگی، واحدی که متولی بحث فضای مجازی باشد، نداریم. بچه‌هایی که وارد فضای مجازی می‌شوند، ساعات زیادی از زندگی خود را در فضای مجازی می‌گذرانند و با گیم زندگی می‌کنند و بسیاری از آموزش‌هایشان را از طریق گیم می‌گیرند. ما خیلی کم به این فضا ورود کرده‌ایم، در حالی که می‌توان از کاربردهای آن استفاده‌های زیادی کرد. با اینکه در این مدت حسابی سعی کردیم از این فضا استفاده کنیم اما هنوز با نقطه ایده‌آل فاصله زیادی داریم.

وزارت علوم چه برنامه هایی در این زمینه دارد؟ به هر حال کانال‌های غیررسمی و فضای مجازی همچنان با برنامه‌ریزی فعالیت خواهد کرد.

مسئولیت بخشی از اینها حوزه آموزش عالی نیست و دستگاه‌هایی کلان‌تر از ما مسئولند. مرکز ملی فضای مجازی بخشی از این مسئولیت‌ها را بر عهده دارد؛ تقسیم کار دستگاهی بر عهده اوست و مسئولیت پروژه‌های کلانی که در حوزه فضای مجازی وجود دارد را برعهده دارد. در این زمینه عقب‌افتادگی نهادی نداریم. یعنی تمهید شکل‌گیری مرکز ملی فضای مجازی و شورای عالی فضای مجازی یک تمهید فوق‌العاده و پیشتازانه بوده؛ اما این منجر به تقسیم کار دقیق دستگاهی در خیلی از حوزه‌ها نشده است. نکته دوم این است که من این موضوع را آن قدرهم سیاه نمی‌بینم و نظرم این نیست که هیچ کاری نکرده‌ایم بلکه اتفاقاً کارهای زیادی انجام شده است. شاید مهم‌ترین کاری که در این زمینه انجام شده «سامانه فرنما» بوده است. این سامانه، سامانه حکمرانی هوشمند و نرم فعالیت‌های فرهنگی در محیط آموزش عالی است که چند کاربرد دارد؛ دانشجویان، کارشناسان، مدیران فرهنگی، معاونان فرهنگی و معاونت فرهنگی وزارت علوم برای ورود دیتا، تبلیغ برنامه و دیده شدن به این سامانه دسترسی دارند. سامانه فرنما برای اولین بار در مجموعه آموزش عالی این امکان را داد که تمامی فعالیت‌های آموزش عالی در یک رخ دیده شود. در مدت سه ماه نزدیک به ۴۷۰۰۰ رویداد فرهنگی در دانشگاه‌ها برگزار شده است. متأسفم برای این که ۴۷۰۰۰ رویداد دیده نمی‌شود، ولی اتفاقی که به صورت غیررسمی در مجموعه آموزش عالی خارج از عرف و هنجارهای آموزش عالی صورت می‌گیرد در شبکه‌های اجتماعی ضریب پیدا می‌کند و باعث ارائه تصویر بد و غلط از مجموعه آموزش عالی می‌شود. نتایج تحقیقاتی نشان می‌دهد که تأثیرات فیک نیوز خیلی بیشتر از اخبار واقعی است و تأثیرات اخبار خلاف واقع زیاد است. تقریباً همه شبکه‌های اجتماعی این وضعیت را پیدا کرده‌اند و فرهنگ عجیبی ایجاد شده و تمایل به شایعه و اخبار منفی زیاد است. به‌علاوه اینکه، ۳۷۲۰ نشریه به صورت منظم در چهارچوب قواعد مصرح و روشن فعالیت می‌کنند، ولی متأسفانه آن طور که باید دیده نمی‌شوند.

پیش‌تر صحبت‌هایی شنیده شده بود مبنی بر اینکه حضور در تشکل‌های دانشجویی اجبار است، آیا این موضوع را تأیید می‌کنید؟

خیر، تا به حال در این زمینه هیچ گزارشی نشنیده‌ام و حتماً برخورد می‌کنیم. به طور کل نفس حضور در مجموعه‌های دانشجویی داوطلبانه است و اگر وجه داوطلبانه‌اش را بگیرید ماهیت آن تهی خواهد شد، ولی باید به این فعالیت داوطلبانه ضریب مثبت داده شود. یکی از خروجی‌های سامانه فرنما امکان گرفتن فرنامه از این سامانه توسط دانشجویان است. دانشجویانی که فعالیت‌های خود را ثبت می‌کنند امکان این را دارند که رزومه فرهنگی و فرهنگ نامه خود را از این سامانه بگیرند؛ یعنی در کنار ریزنمرات آموزشی که یک فرد می‌تواند بگوید چه درسی چه نمره‌ای گرفته، می‌تواند ریز فعالیت‌های فرهنگی خود را به عنوان رزومه بگیرد و از آن استفاده‌های درخور را داشته باشد.

این رزومه فرهنگی که برگرفته از فعالیت‌های فرهنگی برای دانشجویان است، در آخر چه مزیتی برای آنها دارد؟

دانشجویی که مسئولیت‌پذیر بوده و در مجموعه‌های دانشجویی ورود پیدا کرده و فعال بوده و کنشگری کرده قطعاً نسبت به دانشجویی که فقط درسش را خوانده است رزومه پربارتری از حیث فرهنگی و اجتماعی دارد و لذا ارجحیت دارد؛ کما اینکه حتی در بخش خصوصی نیز در کنار درس و ریزنمرات درسی به دنبال این هستند که شخص مهارت حل مسأله و مهارت کار گروهی داشته باشد و این توانایی‌ها همگی در فعالیت‌های داوطلبانه دانشجویی به دست می‌آید. یک همکاری و هماهنگی با معاونت فناوری وزارت ارتباطات صورت گرفته که دانشجویان مجموعه‌های دانشجویی بر اساس رزومه خود امکان فعالیت در پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های تابعه آن را داشته باشند.

این رویه در دوره جدید انجام شده است؟

بله، تا جایی که بتوانیم برای تشویق دانشجویان، به اینگونه فعالیت‌ها ضریب می‌دهیم تا آنها مطابق سلیقه خود وارد این فعالیت‌های جمعی شوند، ضمن اینکه اجباری وجود ندارد. مطابق سلیقه افراد در همه زمینه‌ها فعالیت داریم؛ از جمله فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، عام‌المنفعه، انسان‌دوستانه، زیست‌محیطی، هلال احمر و... یعنی تنوعی که در کانون‌ها، انجمن‌های علمی و تشکل‌ها وجود دارد این امکان را به فرد می‌دهد تا متناسب با سلیقه‌اش در این مجموعه‌ها فعالیت داشته باشد.

اینکه معاونت فرهنگی نسبت به فعالیت تشکل‌ها برنامه‌ریزی داشته باشد امری طبیعی است اما خود دانشگاه‌ها چقدر به فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تشکل‌ها بها می‌دهند؟

دانشگاه‌ها مسائل مالی دارند و مشکلات زیربنایی در بحث‌های رفاهی در دانشگاه‌ها وجود دارد و از این جهت رؤسای دانشگاه‌ها خیلی گرفتارند. همچنین پس از کرونا این مسأله خود را به جد نشان داد؛ مثل بازسازی خوابگاه‌ها، سلف سرویس‌ها، تأسیسات و تأمین زیرساخت‌های رفاهی برای دانشجویان و اخیراً برای هیأت علمی با توجه به قوانین ابلاغی که در بحث تأمین مسکن اعضای هیأت علمی جوان صورت گرفته که اینها مجموعه‌ای از وظایف سنگین و پرهزینه را روی دوش دانشگاه‌ها قرار می‌دهد. لذا در دانشگاه‌ها چنان که باید و شاید به امر فرهنگی توجه نشده و هنوز هم موقعیت مرکزی خود را پیدا نکرده است، در حالی که بارها متذکر شدیم، صرف هزینه در حوزه فرهنگ درواقع هزینه نیست بلکه سرمایه‌گذاری است و اگر برای عرصه فرهنگ هزینه نکنیم باید چندین برابر آن را برای تبعات مصیبت‌بار توجه نکردن یا کم‌توجهی به مسائل فرهنگی در کف جامعه و دانشگاه هزینه کنیم. در عرصه فرهنگ این طور است که هرچه برای فرهنگ و تربیت فرزندان هزینه کنیم و وقت بگذاریم به همان میزان درو می‌کنیم.

می توان گفت چقدر زمان لازم است تا این شرایط تغییر کند؟

قطعاً زمانبر است. چنان که باید و شاید اهتمام وجود ندارد. البته نسبت به قبل بهبود پیدا کرده است، اما اینکه اهتمام نهادی به فرهنگ در حد مطلوب صورت بگیرد، باید بگویم خیر و با آن فاصله داریم. علی‌رغم اینکه ارتقاهایی داشتیم، اما هنوز خیلی با مطلوب فاصله داریم. هم از حیث ساختار فرهنگی و هم از حیث بودجه فرهنگی در مجموعه دانشگاه‌ها مشکل داشتیم. از حیث ساختار، بسیاری از دانشگاه‌ها معاونت‌های فرهنگی ساختار مستحکم و قابل دفاعی نداشتند. در نامه‌نگاری‌هایی که صورت گرفته سعی کردیم معاونت فرهنگی استقلالی داشته باشد و در دیگر معاونت‌ها ادغام نشود. همچنین باید خود ساختار معاونت فرهنگی ارتقا پیدا کند که برخی از دانشگاه‌ها این کار را انجام دادند و در برخی دانشگاه‌ها هنوز انجام نشده که پیگیریم. برآوردمان این است دانشگاه‌هایی که این تفکیک را انجام دادند ثمرات خوب آن را دیدند.

از حیث بودجه هم در معاونت فرهنگی در دانشگاه‌ها ردیف بودجه مستقلی وجود نداشت، بلکه شرایط اینگونه بود که یک بودجه می‌دادند و در آخر هرچقدر می‌ماند به حوزه فرهنگی اختصاص داده می‌شد. با تأکیدی که وزیر روی بودجه سه درصدی سال ۱۴۰۱ داشتند جهش خوبی در این حوزه صورت گرفت؛ اما به دلیل اینکه مصوبه مجلس نبود و یک ابلاغ ریاستی و هیأت امنایی بود جایگاه حقوقی مستحکمی نداشت؛ با این حال خیلی از دانشگاه‌ها به سه درصد نزدیک شدند و افزایش بسیار خوبی داشتند. البته مسائل فرهنگی و اجتماعی ناشی از بازگشایی دانشگاه‌ها پس از کرونا باعث شد خیلی‌ها به اجبار هم که شده به حوزه فرهنگ توجه کنند، زیرا می‌دانستند اگر توجه نکنند باید دست به گریبان بسیاری از مسائل باشند.

در سال ۱۴۰۲ اتفاق مبارکی افتاده که در طول تاریخ آموزش عالی اتفاق مغتنم و مفیدی است؛ برای اولین بار در بودجه مصوب ۱۴۰۲ توسط مجلس ردیف بودجه فرهنگی دانشگاه‌ها تحت عنوان «بند لام» مستقل شد. بر این اساس پنج درصد از بودجه دانشگاه‌ها، به‌غیر از فصولی خاص، باید به فرهنگ اختصاص یابد که به نظرم عدد مطلوبی نیست، ولی برای شروع خیلی خوب است. چراکه برای اولین بار بودجه فرهنگی دانشگاه‌ها ردیف بودجه مستقل پیدا می‌کند که در دیوان محاسبات قابلیت پیگیری دارد و مجلس قابلیت نظارت دارد. تخطی از این امر ناممکن است و سازمان و نهادهای نظارتی می‌توانند پیگیری کنند، این یک اتفاق مثبت است.

برش

دانشجویی که مسئولیت‌پذیر بوده و در مجموعه‌های دانشجویی ورود پیدا کرده و فعال بوده و کنشگری کرده قطعاً نسبت به دانشجویی که فقط درسش را خوانده است رزومه پربارتری از حیث فرهنگی و اجتماعی دارد و لذا ارجحیت دارد؛ کما اینکه حتی در بخش خصوصی نیز در کنار درس و ریزنمرات درسی به دنبال این هستند که شخص مهارت حل مسأله و مهارت کار گروهی داشته باشد و این توانایی‌ها همگی در فعالیت‌های داوطلبانه دانشجویی به دست می‌آید. یک همکاری و هماهنگی با معاونت فناوری وزارت ارتباطات صورت گرفته که دانشجویان مجموعه‌های دانشجویی بر اساس رزومه خود امکان فعالیت در پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های تابعه آن را داشته باشند.